

فصلنامه اقتصادی، اجتماعی

ننخص

فصلنامه اقتصادی اجتماعی شاخص
سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷
قیمت: ۲۰۰۰ تومان

بررسی شاخص شکاف جنسیتی

نگاهی به بودجه ۹۸ با زبانی ساده

گریز از تورم از مسیر بازار سرمایه

و مطالب دیگر...



کلام

فهرست مطالب:

- ۲ سر آغاز سخن.....
- ۳ گریز از تورم از مسیر بازار سرمایه.....
- ۶ عرضه اولیه ارزهای دیجیتال.....
- ۸ تامین مالی در قراردادهای سرمایه گذاری نفتی.....
- ۱۲ بررسی شاخص شکاف جنسیتی.....
- ۱۸ نگاهی اجمالی به بودجه ۹۸ با زبانی ساده.....

فصلنامه اقتصادی اجتماعی
سال اول ■ شماره چهارم ■ زمستان ۱۳۹۷



صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی اقتصاد دانشگاه الزهراء(س)

مدیر مسئول: مارال حسینی

سردبیر: مهسا نومی

طراح جلد: مهسا نومی

صفحه آرا: معصومه حدادی

نویسندگان این شماره:

الناز رضایی نیارکی - غزاله سلیمیان - مهسا نومی - زهرا وقاری - ناصر کلهر - مارال حسینی

سر آغاز سخن

مهسا نومی

ترم ۶ کارشناسی اقتصاد دانشگاه الزهراء(س)

جامعه ایرانی به تعبیر برخی کارشناسان اقتصادی و سیاسی معروف به جامعه‌ی کلنگی است. جامعه‌ای که در جنگ میان سنت و مدرنیته و مقاومت کانون‌های اقتصادی و سیاسی علیه سرمایه‌داری است. با این وجود سرمایه‌داری و دار و دسته‌اش در همه جای اقتصاد و ساختارهایش نفوذ کرده است. در این میان یکی از بسیار عواملی که اقتصاد ایران را به این وضع بحرانی انداخته، در کنار عدم شفافیت مالی، نقدینگی بالا، تورم، مشکلات ارزی و پیامدهای وافر آن، عدم شفافیت اخلاقی حاکم بر ساختار اقتصادی است. در بسیاری از اقتصادهای توسعه یافته، به تعبیر آمارتیا سن، اخلاق و آزادی و توسعه اقتصادی رابطه‌ی بسیاری باهم دارند؛ اما نقش اخلاق و آزادی تولید و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ما چگونه است؟ اقتصاد ما به جای اینکه بر مبنای قواعد مشخصی که هم اخلاقی و هم قانونی باشد بر مبنای هنجارهایی عمل می‌کنند که ارتباطی با توسعه و پیشرفت کشور ندارند. به جای وجود توسعه‌ی نهادی و نهادگرایی به سوی «ویژه‌نگری» حرکت می‌کند. اقتصاد ما چون بر پایه‌ی رانت اداره می‌شود، بحران‌هایش را نیز می‌خواهد بر مبنای همین فرمول حل کند. اما چون در عصر جهانی شدن، وابستگی متقابل امن اقتصادی کلنگی را بریده بایستی این مقاومت گوشت و نان سبب غذایی اغلب مردم را به تراز قیمت طلا بکشاند و علاجه هم برای آن نباشد.





گریز از تورم از مسیر بازار سرمایه

غزاله سلیمیان

کارشناسی اقتصاد دانشگاه الزهرا

افزایش جهشی نرخ تورم در اقتصاد را انتظار داشت. به همین علت، برای جلوگیری از منجر شدن نقدینگی به تورم باید تمام توان و ظرفیت‌ها را برای رشد اقتصادی به کار گرفت. از آنجایی که تورم، بر بازده سرمایه‌گذاری تاثیر می‌گذارد، نرخ تورم می‌تواند یکی از عوامل موثر در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و مالی تلقی گردد و با توجه به اینکه در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران درجات بالایی از نا اطمینانی وجود دارد، بنابراین نرخ تورم بیشتر در معرض نوسان قرار دارد. از این رو سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه در مقایسه با کشورهای پیشرفته بیشتر به مخاطره می‌افتد، در نتیجه باعث وارد آمدن هزینه‌های زیادی بر سرمایه‌گذاران و به تبع

یکی از مشکلات اساسی اقتصاد ایران که همواره مطرح است، افزایش حجم نقدینگی طی سال‌های متوالی بوده است. حجم نقدینگی موجود در اقتصاد از اواسط سال ۹۲ تاکنون حدوداً سه برابر شده است (بیش از ۲۰۰ درصد افزایش). از آنجایی که طبق یکی از ساده‌ترین روابط اقتصادی، مجموع رشد اقتصادی (افزایش تولیدات) و تورم (افزایش سطح عمومی قیمت‌ها) در بلند مدت متناسب با افزایش نقدینگی است و از سوی دیگر مجموع رشد اقتصادی و نرخ تورم طی سال‌های اخیر در اقتصاد کشورمان بسیار کمتر از افزایش نقدینگی بوده است؛ بنابراین، در صورت سرعت نبخشیدن به مسیر رشد اقتصادی ایران و عدم جذب نقدینگی، می‌توان



آن بر اقتصاد کشور خواهد شد. عدم آگاهی سهامداران و به طور کلی سرمایه‌گذاران از تاثیر تورم، تصمیم‌گیری روشن و دقیق نسبت به سرمایه‌گذاری را با دشواری رو به رو می‌کند. در این میان بازار سرمایه به دو دلیل می‌تواند بهترین مسیر جذب نقدینگی با کم‌ترین اثر تورمی باشد. اول آنکه، ورود پول به سایر بازارها مانند ارز، سکه یا مسکن، نه تنها مستقیماً موجب افزایش تولید نمی‌شود، بلکه با افزایش تقاضا در این‌گونه بازارها، شاهد افزایش روزافزون قیمت در آن‌ها خواهیم بود. در حالی که ورود نقدینگی به بازارهای سرمایه نهایتاً منجر به تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی می‌شود و با کمک دولت افزایش تولید را نیز به همراه خواهد داشت. دوم آنکه، رشد قیمت در بازارهایی مثل ارز، سکه یا مسکن به نوعی بر سبد مصرفی خانوار، نظیر کالاهای وارداتی و اجاره بها اثر افزایشی خواهد داشت و در نتیجه منجر به تورم خواهد شد. اما معامله در بازارهای سرمایه تاثیری بر روی کالاهای مصرفی نخواهد داشت و از این منظر تورم‌زا نخواهد بود، رونق بازار سرمایه فقط به صورت غیرمستقیم ناشی از افزایش درآمد سرمایه‌گذاران و رشد احتمالی تقاضای مصرفی آن‌ها می‌تواند بر نرخ تورم تاثیرگذار باشد که به مراتب کمتر از سایر مسیرهای جذب نقدینگی است.

همچنین با توجه به آنکه منشا اصلی رشد نقدینگی به وضعیت نابسامان بانک‌ها برمی‌گردد، تامین مالی شرکت‌ها و بنگاه‌ها از طریق بازار سرمایه، فشار را از روی بانک‌ها برمی‌دارد. از سوی دیگر، اگر تمامی شرکت‌های بزرگ به دلیل داشتن اعتبار کافی و جلب اعتماد مردمی، از طریق بازار سرمایه منابع مالی مورد نیاز خود را تامین کنند، راه را برای بنگاه‌های کوچکی که فاقد اعتبار لازم هستند باز می‌کنند تا آن‌ها به تامین مالی از طریق بانک‌ها بپردازند. پرواضح است که تامین مالی از طریق بازار سرمایه با نرخ‌های پایین‌تر از تسهیلات بانکی، منجر به سودآوری بیشتر بنگاه‌های اقتصادی می‌شود. در نهایت، با افزایش





مزبور با معضل در تأمین مالی مواجه شوند.

در نهایت مجموع این عوامل عدم تلاش مناسب در جهت تغییر استراتژی، ایجاد ایده‌های جدید و مدیریت ریسک در نظام بانکی را به دنبال دارد. این موضوع باعث می‌شود سیستم‌های بانکی دیگر به دنبال بهبود خدمات خود نباشند، چراکه عمده‌ی منابع مورد نیاز خود را در اختیار شرکت‌های بزرگ قرار داده و به این ترتیب دیگر تلاشی برای بهبود عملکرد و ایجاد روش‌های نوین صورت نمی‌گیرد. همزمان با این موضوع به دلیل وابستگی بانک‌ها به جند صنعت و شرکت خاص، ریسک سیستم بانکی نیز افزایش می‌یابد. زمانی که تنوع شرکت‌ها کاهش می‌یابد و تنها به چند شرکت بزرگ محدود می‌شود، با وقوع یک مشکل در آن صنعت خاص، سیستم بانکی نیز دچار اختلال خواهد شد. به عبارت دقیق‌تر برای حرکت اقتصاد به سمت رونق و تقویت هرچه بیشتر تولید و همچنان بهبود وضعیت نابسامان بانک‌ها، راهی به جز تقویت بازار بدهی وجود ندارد. این امر نیز تنها با ورود شرکت‌ها و بنگاه‌های جدید به بازار سرمایه میسر خواهد بود. در این میان ظرفیت بالای بازار سرمایه و تنوع اوراق موجود در آن می‌تواند عاملی جذاب در راستای تأمین مالی بخش خصوصی باشد.

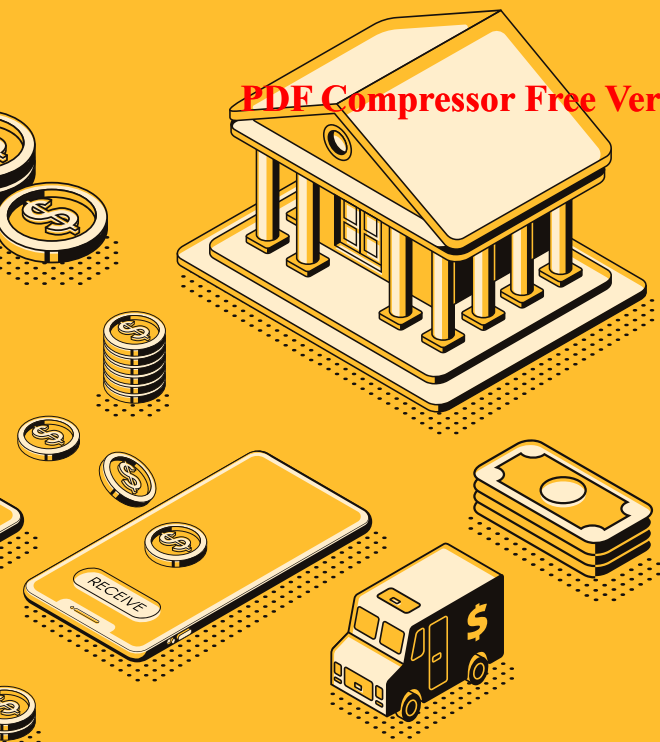
هرچند طبق آمار منتشر شده حجم تأمین مالی از بازار اوراق بدهی در مقایسه با سال‌های قبل با بهبود نسبی همراه شده، اما همچنان در سطح مطلوبی قرار ندارد. در این میان طبق نظرات مطرح شده از سوی کارشناسان اقتصادی، بازار سرمایه ظرفیت به مراتب بسیار بیشتری نسبت به میزان فعلی برای جذب این اوراق دارد. با افزایش جذب نقدینگی از طریق بازار سرمایه علاوه بر کمک به بهبود عملکرد سیستم‌های بانکی، تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی مرتفع می‌شود و افزایش تولید را به همراه خواهد داشت. به این ترتیب با عنایت به ظرفیت‌های مغفول بازار سرمایه، نرخ تورم را می‌توان کنترل نمود و در مسیر رشد و رونق اقتصادی قدم برداشت.

ورود شرکت‌ها و بنگاه‌های بیشتر و متنوع‌تر به اقتصاد کشور، منجر به افزایش تولید و رونق هر چه بیشتر اقتصاد کشور می‌شود.

با نظر به این که یکی از مشکلات کنونی اقتصاد کشور استفاده‌ی بیش از حد از ظرفیت‌های بانکی در تأمین مالی بنگاه‌هاست، به طوریکه حدود ۹۰ درصد شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، منابع مورد نیاز خود را از بانک‌ها تأمین می‌کنند. این در حالی است که در دنیا و بازارهای مالی بین‌المللی، بنگاه‌ها از طریق بانک تأمین مالی نمی‌کنند، بلکه حجم عمده‌ای از این موضوع از کانال بازار سرمایه صورت می‌گیرد. اما از آن جایی که بازار سرمایه ایران از عمق کمی برخوردار است، استفاده از این ظرفیت مغفول مانده است. این امر سبب شده تا هم زمان تقاضای تأمین مالی بنگاه‌های بزرگ نیز به سمت بانک‌ها رفته و این امر نه تنها منجر به تحمیل فشار زیاد بر سیاست بانکی می‌شود؛ بلکه تأمین مالی بنگاه‌های کوچک را نیز با اختلال همراه می‌کند. در نهایت این امر تضعیف بنگاه‌های کوچک و تنبل شدن سیستم بانکی را به دنبال دارد.

به عبارت دقیق‌تر شرکت‌های بزرگ با برخورداری از اعتبار کافی و اعتماد مردمی، در جذب سرمایه‌ها توانا هستند. در مقابل شرکت‌های کوچک‌تر با نداشتن مؤلفه‌های مزبور، به تأمین مالی از طریق بانک‌ها می‌پردازند. در این راستا بازار سرمایه ایران با دو ایراد اساسی در این اصل مواجه است؛ در گام نخست شرکت‌های تأمین سرمایه فعال در بورس به دلیل عدم اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی مناسب و همچنین مشکلات ساختاری، نقش خود را به درستی ایفا نکرده و بخش عمده‌ای از تأمین مالی مزبور از طریق سیستم بانکی صورت می‌گیرد. از سوی دیگر این امر باعث شده تا بانک‌ها با برخورداری از مشتریان مناسب و تقاضای بالا، نرخ سود خود را کاهش ندهند. همچنین با تخصیص منابع به بنگاه‌های بزرگ، دیگر منابعی برای در اختیار گذاشتن به شرکت‌های کوچک نداشته باشند و به این ترتیب بنگاه‌های





عرضه اولیه ارزهای دیجیتال

الناز رضائی نیارکی

کارشناسی اقتصاد دانشگاه الزهرا

۶

فصلنامه علمی تخصصی اقتصاد

فصلنامه اقتصادی اجتماعی شاخص
سال اول | شماره چهارم | زمستان ۱۳۹۷



ارزهای دیجیتال به این دلیل بود که ساختار، نظام بانکی و هم‌چنین قوانین بیش از اندازه پیچیده و سخت امکان رشد و موفقیت کسب و کارهای مدرن را کاهش داده بود و این یک راه‌حل خلاقانه بود که در مسیر کسب و کارهای نوپا قرار گرفت. پایگاه اینترنتی draglet.com تابستان ۲۰۱۷ میلادی را انفجار سرمایه‌گذاری در ارزهای مجازی اعلام کرده است. در همین راستا Bloomberg شاخص عرضه اولیه ارزهای رمزنگاری شده را بیش از یک و نیم میلیارد دلار تخمین زده است.^۶ گزاره‌های بالا به این معنی است که ما با استارت‌آپ‌هایی رو به رو هستیم که به سمت ارزهای مجازی و مسائلی از این قبیل حرکت می‌کنند.

رمز (توکن) به هر سهم قابل خرید فروش در عرضه اولیه‌ها گفته می‌شود هر شرکتی که عرضه اولیه را برگزار می‌کند رمزهای مخصوص به خود را دارد به صورتی که برای استفاده از خدمات درون سیستم از این رمزها استفاده می‌شود.

اما در مورد رمزها باید گفت این رمزها همانند کوین‌ها بر بستر زنجیره بلوک^۷ به وجود می‌آیند با این تفاوت که زنجیره‌ی بلوک خود را ندارند و وابسته به زنجیره بلوک دیگری هستند اکنون این رمزهای مجازی بر بستر اتریوم^۸ که یک ارز مجازی دیگر همانند بیت کوین است ساخته و عرضه می‌شود.

6. Token market.net/ico
7. Blockchain
8. Ethereum

با معرفی ارزهای دیجیتال به جهان که معروف‌ترین آن‌ها بیت کوین^۱ بود، عصر نوینی در تکامل فرایندهای سرمایه‌گذاری جهانی شروع شد.

با گذشت زمان و افزایش نیاز سرمایه‌گذاران به خروج از چارچوب‌های غیرقابل انعطاف گذشته برای دستیابی به قله‌های بلندتر در این عرصه به استفاده از ارز رمزنگاری^۲ شده روی آوردند.

اما آنچه در این قسمت از سری مطالب ارزهای رمزنگاری شده معرفی می‌شود مرتبط با کسب کارهای نوپایی است که به دنبال تثبیت جایگاه خود در شمار روز افزون شرکت‌های نوپا^۳ هستند، این بار دست کمک ارزهای رمزنگاری شده به سوی این استارت‌آپ‌ها دراز شده تا آن‌ها را برای رسیدن به موفقیتی چشم‌گیر همراهی کند.

این فعالیت تحت عنوان عرضه اولیه ارزهای رمزنگاری شده^۴ بین کسب کارهای نوپا به راه افتاده است، یک استارت‌آپ یا هر مجموعه‌ی فعالی می‌تواند رمز^۵ ارزهای دیجیتال خود را از طریق این عرضه اولیه در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهد. شرکت در این عرضه اولیه با دارایی‌هایی از جنس ارزهای دیجیتال مانند بیت کوین امکان‌پذیر است.

هدف شکل‌گیری این پدیده‌ی نو ظهور در سیستم

1. Bitcon
2. Cryptocurrency
3. Star tops
4. Initial coin offering
5. Token



سرمایه‌گذاری تامین نشود میزان سرمایه جذب شده باید به سرمایه‌گذاران برگشت داده شود، اما در صورت تامین می‌توان پروژه را آغاز کرد. اگر علاوه بر حداقل میزان سرمایه‌گذاری حداکثر میزان سرمایه‌گذاری هم تامین شود در این صورت جذب و تامین سرمایه متوقف می‌شود به معنی که سرمایه مورد نیاز جذب شده است، که این خود نشانه راستی آزمایشی تیم اجرایی پروژه می‌باشد.

۴. مقدار رمز تیم

نحوه تقسیم رمزهای عرضه اولیه باید مشخص باشد، این تقسیم‌بندی درصد رمزهای اختصاص یافته به تیم است. اگر این درصد بسیار پایین باشد نشان می‌دهد که این تیم برای بالا بردن ارزش رمزهای خود انگیزه و برنامه‌ای ندارد و اگر خیلی بالا باشد نشان دهنده این است که تیم کنترل پلتفرم و درآمد را به طور کامل در دست دارد و ممکن است در ارزش‌گذاری هر سهم تاثیر بگذارد. میزان رمزهای تیم نباید کمتر از ده درصد و بیشتر از ۵۰ درصد کل رمزهای قابل عرضه باشد.

امیدواریم با شناخت بیشتر این فرایند اقدام به توسعه‌ی این فعالیت در حوزه کسب و کارهای نوپای کشور مورد توجه قرار بگیرد.

منابع:

- ۱- پیمان اخوان، ۱۳۹۶، ارزش‌های دیجیتال، نشر آتی نگر
- ۲- جواد عباسی (۱۳۹۷)، بیت کوین، نشر چالش

قبل از سرمایه‌گذاری در یک عرضه اولیه ارزش‌های دیجیتال باید با ارکان‌های آن آشنا بود. حال به بررسی این که یک عرضه اولیه باید از چه ارکان‌هایی برخوردار باشد می‌پردازیم.

۱. تیم توسعه دهنده پروژه

یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت یک پروژه، تیم توسعه دهنده آن پروژه است. پس یک عرضه اولیه باید به صورت واضح به معرفی تیم خود بپردازد و هیچ ابهامی در اطلاعات مربوط به افراد تیم وجود نداشته باشد.

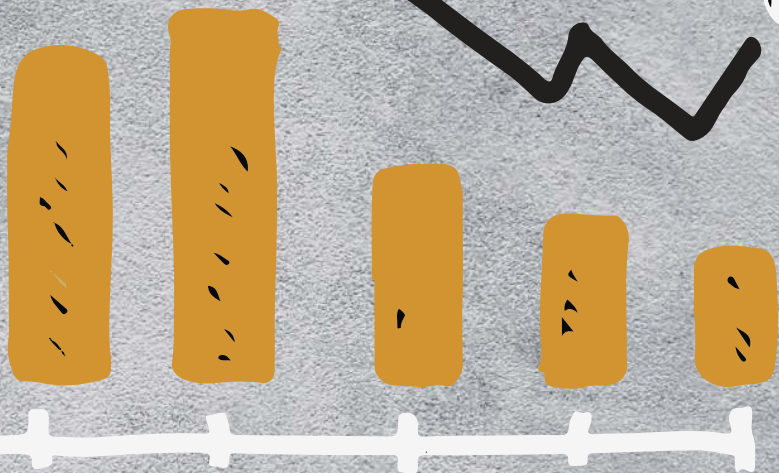
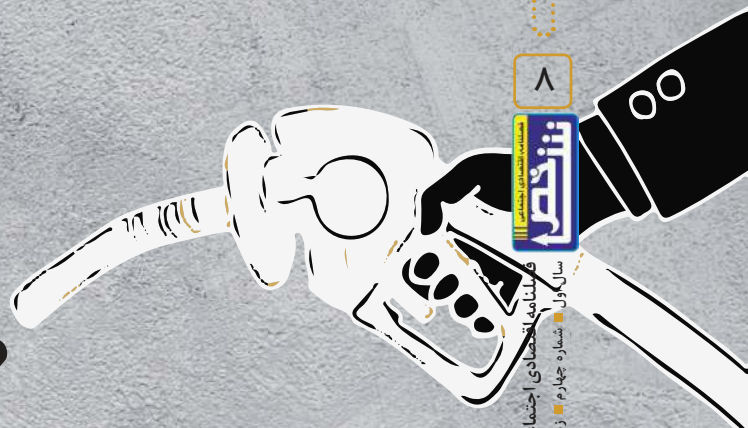
۲. برگه سفید^۱

هر عرضه اولیه باید به معرفی دقیق پروژه خود از طریق نوشتن و عرضه یک سند یا نوشته به اسم برگه سفید بپردازد. این سند باید به صورت واضح و دقیق هدف از اجرای پروژه را بیان کند. موارد دیگری که باید در این برگه وجود داشته باشد شناسایی دقیق بازار هدف و شناسه‌هایی است که این پروژه را از سایر پروژه‌های رقیب متمایز می‌کند هم چنین ذکر موارد فنی پروژه می‌تواند نشان دهنده صداقت این تیم باشد.

۳. حداقل و حداکثر منابع مالی مورد نیاز پروژه^۲

هر تیمی بایستی میزان منابع مالی مورد نیاز پروژه خود را مشخص کند که به آن حداکثر و حداقل منابع مالی (هاردکپ و سافت کپ) می‌گویند. اگر حداقل میزان

1. White paper
2. Soft Cap & Hard Cap



قراردادهای مهندسی، تامین تجهیزات و ساخت (EPC) با قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و انتقال (BOT) از لحاظ منابع مربوط به تامین مالی تفاوت‌های فاحشی دارند، که به مواردی از انواع قراردادها اشاره‌ای خواهد شد. چارچوب حقوقی شرکت پروژه بدین ترتیب است که ابتدا تعدادی از سرمایه‌گذاران، پیمانکاران، مشاورین و بهره‌برداران که در زمینه اجرای طرح‌های اقتصادی تامین مالی پروژه دارای تجربه و دانش می‌باشند گرد هم می‌آیند و از طریق یک قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری نسبت به تشکیل یک کنسرسیوم اقدام می‌کنند. این مشارکت، حقوق و تکالیف اعضای کنسرسیوم را در اجرای پروژه‌ی مورد نظر تعیین می‌کند. در این قرارداد، میزان سرمایه‌گذاری هر یک از اعضا معین می‌گردد.

نفت یکی از مهم‌ترین منابع تامین انرژی در جهان صنعتی محسوب و به عنوان یکی از کالاهای استراتژیک شناخته می‌شود، به صورتی که نه تنها کشورهای دارای این منابع ارزشمند بلکه سایر کشورها نیز به طور مداوم در پی راهی جهت کسب سود بیشتر از آن هستند. لذا این امر ما را به سمتی هدایت می‌کند که به دنبال یافتن راهی برای سرمایه‌گذاری بهتر و نیز تامین مالی پروژه‌ها از لحاظ اقتصادی باشیم. بنابراین در این مجال مباحثی از تامین مالی پروژه‌های نفتی را مطرح خواهیم کرد. باید دانست که در پروژه‌های مختلف مربوط به صنعت نفت و گاز، راه‌کارهای متفاوتی جهت تامین مالی مدنظر قرار می‌گیرد. توافقات مالی و نحوه پرداخت در قرارداد تاثیر به‌سزایی خواهد داشت، بدین صورت که به طور مثال انعقاد

تامین مالی در قراردادهای سرمایه گذاری نفت

ناصر کلهر

کارشناسی ارشد حقوق نفت و گاز دانشگاه تهران



شرکت مزبور با دولت سرمایه پذیر و یا یکی از دستگاه‌های اجرایی آن وارد مذاکره شده و از طریق انعقاد قرارداد، مجوز لازم را برای اجرا و بهره‌برداری از پروژه کسب می‌کند. این قرارداد ممکن است در قالب «بیع متقابل»، «بی او تی»، «بی او او»... منعقد گردد. مثلاً: مجوز ساخت و بهره‌برداری یک فرودگاه از شرکت فرودگاه‌های کشور به صورت بی او تی اخذ می‌گردد. به موجب این قرارداد، شرکت مزبور اختیار دارد که به هزینه‌ی خود پروژه‌ای را بسازد و سپس مورد بهره‌برداری قرارداده و از طریق عواید آن اصل سرمایه‌گذاری و سود خود را مستهلک کند. این قرارداد از این جهت اهمیت دارد که روابط بین اعضای کنسرسیوم و دولت را مقرر می‌کند. خب همانطور که گفته شد یکی از روش‌های مدیریت و

برای اجرای طرح اقتصادی مورد نظر، کنسرسیوم به ثبت و تاسیس یک شرکت خاص پروژه اقدام می‌کند که محور اصلی تامین مالی پروژه را تشکیل می‌دهد. این شرکت معمولاً به صورت سهامی یا با مسئولیت محدود تشکیل می‌شود. که در آن مسئولیت سهام داران محدود به میزان آورده‌ی آنها است. میزان سهام هر کدام از اعضای کنسرسیوم و نحوه اداره این شرکت و سایر موارد مربوط در قرارداد مشارکت فوق‌الذکر مقرر می‌گردد. اساس نامه شرکت مزبور ممکن است در زمان انعقاد قرارداد مشارکت بین طرفین نهائی شده و به قرارداد مزبور پیوست شده باشد. این امکان نیز وجود دارد که اساسنامه بعداً بر اساس مفاد قرارداد مشارکت مزبور بین اعضا نهائی گردد. شرکت مزبور مسئول انعقاد کلیه قراردادهای لازم با افراد گوناگون خواهد بود.



اجرای پروژه روش EPC می‌باشد. به طور کلی در قراردادهای پیمانکاری یکی از مهمترین بحث‌ها، صحبت‌های مرتبط با پرداخت می‌باشد. معمولا تامین مالی این گونه پروژه‌ها بواسطه گرفتن وام از EX-IM BANK (صندوق‌های مالی) و یا بانک‌های تجاری انجام می‌گیرد و گاه ECA آنها را بیمه می‌کنند. اما این بیمه مشروط به این است که پیمانکار پروژه تابع کشور EXIM BANK باشد. در این روش در حقیقت تامین مالی پروژه وظیفه کارفرما می‌باشد، هرچند که پرداخت‌ها ممکن است در دوره‌های زمانی متفاوت در قرارداد صورت پذیرد. پس در مفهوم پرداخت یک "انجام" داریم و یک "عهده". بدین معنا که انجام این قرارداد توسط پیمانکار صورت می‌گیرد اما برعهده کارفرماست. در این روش پیمانکار خرید کالاها را انجام می‌دهد اما به نام کارفرما و نیز تعهد مالی برای پیمانکار وجود ندارد و وظیفه‌ای برای دادن وام به کارفرما مطرح نیست.

روش دیگری که وجود دارد روش EPC+F می‌باشد که به آن قرارداد تامین مالی به شرط پذیرش تعهد مالی طرح گفته می‌شود. در قراردادهای پیمانکاری به این سبک اصولا یک سری شرط وجود دارد که به آنها شروط مفوذ می‌گویند. یکی از این شروط نفوذ امضای یک قرارداد تامین مالی است. یعنی پیمانکار متعهد می‌شود که پروژه را تامین مالی نماید و به نوعی یک Financer پیدا نماید. اما باید توجه داشت که این بدین معنی نیست که خودش تامین مالی پروژه را انجام دهد. شرکت پیمانکاری صرفا ترتیبات اجرایی شدن عملیات تامین مالی را سازماندهی می‌کند. در این روش نیز همانند EPC صرفا کارفرما در مقابل Fi- nancer متعهد بازپرداخت مبلغ تسهیلات و هزینه‌های مالی می‌گردد.

در این روش درحقیقت ما دو نوع قرارداد داریم، یکی EPC که بین کارفرما و پیمانکار منعقد می‌گردد و این قرارداد نافذ نمی‌شود مگر اینکه قرارداد تامین مالی نیز بسته

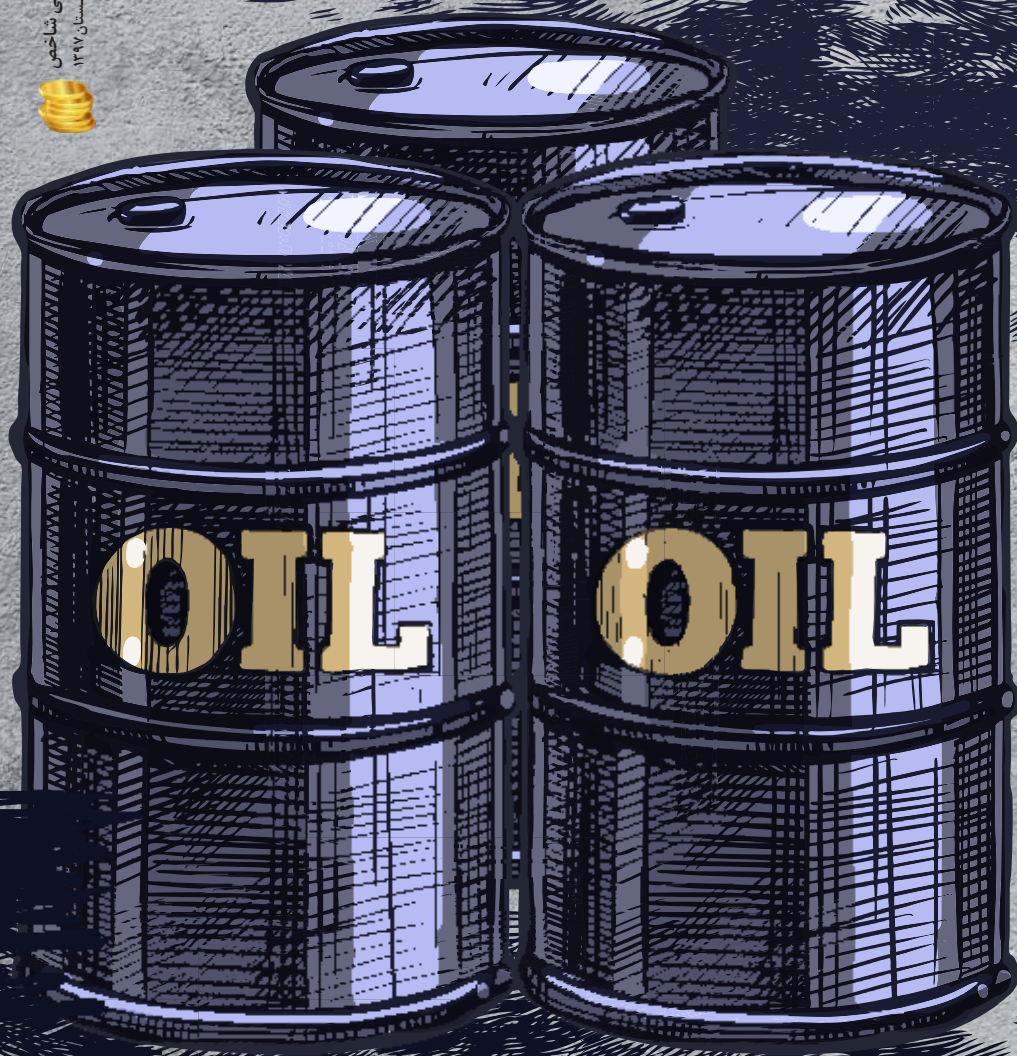
شود که مجموعا یک EPC+F را تشکیل می‌دهند. پس این امر باعث نفوذ قرارداد می‌گردد. این قرارداد تامین مالی همان وام است و یکی از شرایط آن هم این است که دولت سرمایه‌پذیر بازپرداخت وام را تضمین نماید.

و اما روش دیگر تامین مالی EPCF می‌باشد که در آن شرط تعهد پیمانکار به تامین منابع مالی و اعتباری طرح است. یعنی پیمانکار خودش Finance پروژه را برعهده می‌گیرد. در مورد این روش بسیاری بر این عقیده هستند که به نوعی همان Buy Back (بیع متقابل) می‌باشد منتها نه با تمام ریسک‌های آن و فقط تامین مالی برعهده پیمانکار می‌باشد. فلذا می‌توان اسم آن را EPC با تاخیر در پرداخت گذاشت. در اینجا پیمانکار می‌تواند بعد از تامین هزینه‌های طرح، اصل مبالغ، کارمزد و هزینه‌های دیگر را طی اقساط معین باز پس گیرد. در این روش کارفرما ملزم به ارایه وثیقه و تضمین نیست و از این حیث تعهدی به پیمانکار ندارد. پیمانکار برای تامین مالی پروژه به پول نیاز دارد و باید

PDF Compressor Free Version

پرداخت‌های Financer همان پیمانکار است و این امر نقطه تمایز با دو مورد قبل می‌باشد. پس باید گفت در این قراردادی که منعقد می‌گردد تضمین عینی برای -Financ er وجود ندارد و تنها یک اطمینان خاطر و اعتبار ضمنی برایش ایجاد می‌کند. سایر مباحث مربوط به تامین مالی در قراردادهای مرتبط با صنعت نفت و گاز در شماره‌های بعدی به چاپ خواهد رسید.

وام بگیرد اما اگر کافرما آن را تضمین کند دیگر EPCF معنا پیدا نمی‌کند. در اینجا هرچند که پیمانکار پول و یا مالی ندارد که به بانک تضمین دهد اما به اعتبار خود قرارداد می‌تواند وام بگیرد. کافرما قرارداد می‌بندد و این قرارداد حکم تضمین را برای بانک دارد. بدین صورت که اگر پیمانکار به تولید رسید و پروژه تجاری شد، بازپرداخت -Fi nance پروژه از محل همان تولید باشد. اما در هر حال متعهد پرداخت پیمانکار می‌باشد چراکه اگر به تولید نرسد متعهد





شاخص شکاف جنسیتی



انجمن جهانی اقتصادی آغاز شد و پس از آن هم، همین مجموعه شاخص و گزارشات مربوط به آن را ارائه می‌کند. در گزارش ارائه شده در سال ۲۰۰۶ توسط این مرکز ۱۱۵ کشور در نظر گرفته شده بودند (یعنی ۹۰٪ جمعیت جهان) و در توضیحات مربوط به نخستین گزارش به امکان بهره‌گیری از وضعیت کنونی و نکات ارائه شده در گزارش برای تشخیص نقاط قوت و ضعف کشورها و مقایسه با کشورهای مشابه، به منظور استفاده از تجارب اشاره شده بود.

نکته قابل توجه درباره رتبه‌بندی کشورها از این نقطه نظر این است که در گزارش سال ۲۰۱۷ بسیاری از کشورها توانسته‌اند اختلاف بین خانم‌ها و آقایان را در چهار حوزه مورد بررسی شاخص شکاف جنسیتی به طور قابل توجهی

استعداد، یکی از مهم‌ترین عوامل برای افزایش رشد و رقابت‌پذیری در اقتصاد است و اگر کشوری بخواهد مسیر رشد را به خوبی طی کند، طبیعتاً نمی‌تواند از بخش مهمی از جمعیت، یعنی بانوان چشم‌پوشی کند. چرا که در نظر نگرفتن خانم‌ها، به منزله نادیده گرفتن میزان قابل توجهی از استعدادها، چشم‌اندازها و نقطه نظرات مفید، ایده‌های جدید و مهارت‌هاست و این در حالی‌ست که همه می‌دانیم بهره‌بردن از این موارد برای پشت سر گذاشتن چالش‌های پیش رو و استفاده از فرصت‌های جدید بسیار ضروری است. شاخص شکاف جنسیتی شاخصی است که میزان فاصله بین دو جنس را در چهار حوزه کلیدی: سلامتی، تحصیلات، اقتصاد و سیاست بررسی و اندازه‌گیری می‌کند. محاسبه و ارائه‌ی این شاخص از سال ۲۰۰۶ توسط



زهراوقاری

کارشناسی ارشد برنامه ریزی سیستم‌های اقتصادی دانشگاه الزهرا



ایالات متحده آمریکا رتبه ۲۲ را دارد؛ جایگاهی بسیار پایین‌تر از بسیاری از کشورهای اروپایی و همچنین کانادا که در جایگاه چهاردهم جدول قرار دارد. روسیه با رتبه ۴۹، چین در جایگاه ۶۳ و برزیل با رتبه ۶۷ در میانه جدول قرار دارند و ایران و تعداد دیگری از کشورهای در حال توسعه و پر جمعیت جایگاه‌های انتهایی جدول را در گزارش سال ۲۰۰۶ به خود اختصاص داده‌اند:

- نیجریه: ۹۴
- هند: ۹۸
- ایران: ۱۰۸
- مصر: ۱۰۹
- عربستان سعودی: ۱۱۴
- یمن: ۱۱۵

کاهش دهند؛ اگرچه ایران در گروه این کشورها نبوده است. در نخستین گزارش ارائه شده توسط مجموعه، هیچ کشوری موفق نشده فاصله‌ی بین زنان و مردان را به طور کامل از میان بردارد و لی کشورهای از جمله: نروژ، فنلاند، ایسلند، دانمارک، انگلستان، ایرلند و آلمان عملکرد بسیار خوبی در این زمینه داشته و موفق شده اند تا ۸۰٪ از این فاصله را از میان بردارند. فیلیپین که در جدول مربوط به سال ۲۰۰۶ رتبه ششم را به خود اختصاص داده از این لحاظ متمایز است که تنها کشور آسیایی است که موفق شده فاصله بین خانم‌ها و آقایان را به طور قابل توجهی کاهش دهد. آفریقای جنوبی نیز رتبه ۱۸ جدول را به خود اختصاص داده که بالاترین رتبه بین کشورهای آفریقایی است. از طرفی در گزارش سال ۲۰۰۶ مشاهده می‌شود که



• نسبت ناخالص خانم‌های دارای تحصیلات بالاتر از راهنمایی به آقایان

سلامتی و بهداشت

- نسبت متوسط امید به زندگی خانم‌ها به آقایان
- نسبت تعداد دختران به پسران در بدو تولد

توانمند سازی سیاسی

- نسبت خانم‌های عضو پارلمان به آقایان
- نسبت خانم‌های دارای مقامات عالی دولتی به آقایان
- نسبت تعداد سال‌هایی که یک خانم رئیس دولت بوده به تعداد سال‌های مشابه برای یک آقا (طی ۵۰ سال گذشته)

در ادامه وضعیت ایران برای این شاخص و اجزای تشکیل دهنده آن، در دو دوره ۲۰۰۶ و ۲۰۱۷ بررسی خواهد شد:

جدول زیر رتبه‌بندی کلی بر اساس شاخص شفاف جنسیتی را برای کشورهای ابتدا و انتهای رده بندی در سال ۲۰۰۶ نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که ایران در کنار کشورهایی مثل ترکیه، مراکش، یمن و پاکستان در انتهای جدول قرار دارد.

مقایسه‌های بین کشوری از دو نظر بسیار مفید هستند: نخست به این دلیل که می‌توانند نقاط قوت و ضعف فعلی کشور را آشکار سازند و دوم به این دلیل که می‌توانند راهنماهای بسیار خوبی برای سیاست‌گذاری با استفاده از تجارب کشورهای با موقعیت مشابه باشند.

اجزای تشکیل دهنده شاخص و متغیرهای هر یک فرصت مشارکت اقتصادی:

- نسبت نیروی کار خانم به آقا
- برابری حقوق خانم‌ها و آقایان برای انجام کار مشابه
- نسبت درآمد تقریبی کسب شده توسط خانم‌ها به آقایان
- نسبت قانون‌گذاران، مقامات ارشد دولتی و مدیران خانم به آقایان
- نسبت کارگران ماهر خانم به آقا

دسترسی به آموزش:

- نسبت نرخ سوادآموزی خانم‌ها به آقایان
- نسبت ناخالص خانم‌های دارای تحصیلات ابتدایی به آقایان
- نسبت خالص خانم‌های دارای تحصیلات راهنمایی به آقایان

Country	Overall ranking	Overall score (0-100 scale, 100 = equality)	Economic participation and opportunity ranking	Educational attainment ranking	Health and survival ranking	Political empowerment ranking
Sweden	1	0.8133	9	22	70	1
Norway	2	0.7994	11	14	61	2
Finland	3	0.7958	8	17	1	3
Iceland	4	0.7813	17	49	92	4
Germany	5	0.7524	32	31	36	6
Philippines	6	0.7516	4	1	1	16
New Zealand	7	0.7509	14	16	69	11
Denmark	8	0.7462	19	1	76	13
United Kingdom	9	0.7365	37	1	63	12
Ireland	10	0.7335	47	1	81	9
Spain	11	0.7319	85	37	71	5
Netherlands	12	0.7250	51	73	67	10
Sri Lanka	13	0.7199	84	52	1	7
Canada	14	0.7165	10	21	51	33
Australia	15	0.7163	12	1	57	32
Croatia	16	0.7145	42	50	36	18
Moldova	17	0.7128	2	36	1	50
South Africa	18	0.7125	79	41	59	8
Latvia	19	0.7091	20	85	1	21
Belgium	20	0.7078	54	1	1	19

Country	Overall ranking	Overall score (0-100 scale, 100 = equality)	Economic participation and opportunity ranking	Educational attainment ranking	Health and survival ranking	Political empowerment ranking
Turkey	105	0.5850	106	92	85	96
Mauritania	106	0.5833	93	103	1	106
Morocco	107	0.5826	102	99	90	92
Iran	108	0.5802	113	79	52	109
Egypt	109	0.5785	108	90	66	111
Benin*	110	0.5778	55	113	86	76
Nepal	111	0.5477	100	109	111	102
Pakistan	112	0.5433	112	110	112	37
Chad	113	0.5246	65	115	56	91
Saudi Arabia	114	0.5241	115	93	54	115
Yemen	115	0.4594	114	114	48	113

Iran 108 0.5802 113 79 52 109



در ادامه جدول مشابه جدول فوق برای سال ۲۰۱۷ آمده. تصویر اول ۲۰ کشور نخست و تصویر بعدی ۲۰ کشور انتهایی جدول را نشان میدهد. نکته قابل توجه در رابطه با جدول زیر این است که در بررسی مربوط به سال ۲۰۱۷ تعداد کشورهای مورد بررسی ۱۴۴ مورد بوده است.

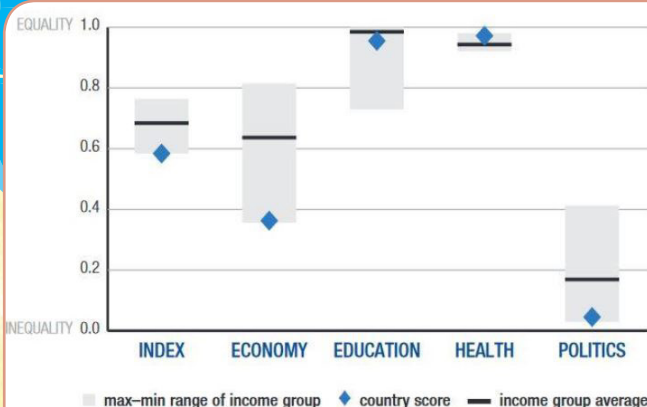
Country	GLOBAL INDEX		ECONOMIC PARTICIPATION AND OPPORTUNITY		EDUCATIONAL ATTAINMENT		HEALTH AND SURVIVAL		POLITICAL EMPOWERMENT	
	Rank	Score	Rank	Score	Rank	Score	Rank	Score	Rank	Score
Iceland	1	0.878	14	0.798	57	0.995	114	0.969	1	0.750
Norway	2	0.830	8	0.816	38	0.999	80	0.973	4	0.530
Finland	3	0.823	16	0.793	1	1.000	46	0.978	5	0.519
Rwanda	4	0.822	7	0.820	113	0.951	1	0.980	3	0.539
Sweden	5	0.816	12	0.809	37	0.999	112	0.969	8	0.486
Nicaragua	6	0.814	54	0.702	34	1.000	1	0.980	2	0.576
Slovenia	7	0.805	13	0.801	1	1.000	1	0.980	11	0.440
Ireland	8	0.794	50	0.710	1	1.000	96	0.971	6	0.493
New Zealand	9	0.791	23	0.768	43	0.998	115	0.969	12	0.430
Philippines	10	0.790	25	0.764	1	1.000	36	0.979	13	0.416
France	11	0.778	64	0.683	1	1.000	54	0.977	9	0.453
Germany	12	0.778	43	0.720	98	0.970	70	0.975	10	0.447
Namibia	13	0.777	9	0.813	41	0.999	1	0.980	26	0.318
Denmark	14	0.776	36	0.728	1	1.000	95	0.971	16	0.406
United Kingdom	15	0.770	53	0.705	36	0.999	100	0.971	17	0.404
Canada	16	0.769	29	0.744	1	1.000	105	0.970	20	0.361
Bolivia	17	0.758	60	0.692	108	0.956	69	0.976	14	0.408
Bulgaria	18	0.756	51	0.710	80	0.990	36	0.979	23	0.346
South Africa	19	0.756	89	0.652	64	0.993	1	0.980	18	0.399
Latvia	20	0.756	15	0.798	1	1.000	1	0.980	41	0.246

Country	GLOBAL INDEX		ECONOMIC PARTICIPATION AND OPPORTUNITY		EDUCATIONAL ATTAINMENT		HEALTH AND SURVIVAL		POLITICAL EMPOWERMENT	
	Rank	Score	Rank	Score	Rank	Score	Rank	Score	Rank	Score
Burkina Faso	121	0.646	47	0.716	133	0.829	134	0.963	125	0.075
Nigeria	122	0.641	37	0.728	135	0.813	94	0.972	135	0.052
Angola	123	0.640	119	0.560	139	0.763	64	0.976	39	0.262
Bhutan	124	0.638	103	0.622	123	0.916	137	0.959	134	0.056
Fiji*	125	0.638	127	0.479	71	0.991	36	0.979	105	0.104
Bahrain	126	0.632	120	0.537	75	0.991	136	0.961	137	0.037
Algeria	127	0.629	132	0.442	107	0.957	106	0.970	86	0.145
Timor-Leste	128	0.628	136	0.393	117	0.934	43	0.979	60	0.205
Kuwait	129	0.628	125	0.518	52	0.996	117	0.969	141	0.027
Qatar	130	0.626	122	0.523	33	1.000	127	0.965	143	0.016
Turkey	131	0.625	128	0.471	101	0.965	59	0.977	118	0.088
Mauritania	132	0.614	134	0.417	131	0.853	107	0.970	57	0.214
Côte d'Ivoire	133	0.611	115	0.575	137	0.800	121	0.968	108	0.102
Egypt	134	0.608	135	0.413	104	0.960	99	0.971	119	0.087
Jordan	135	0.604	138	0.377	51	0.996	113	0.969	126	0.075
Morocco	136	0.598	137	0.391	122	0.920	128	0.965	100	0.117
Lebanon	137	0.596	133	0.440	109	0.956	109	0.970	142	0.019
Saudi Arabia	138	0.584	142	0.320	96	0.975	130	0.965	124	0.077
Mali	139	0.583	126	0.518	140	0.741	139	0.956	99	0.118
Iran, Islamic Rep.	140	0.583	140	0.357	100	0.965	135	0.963	136	0.046
Chad	141	0.575	77	0.667	144	0.572	73	0.974	120	0.087
Syria	142	0.568	144	0.274	110	0.956	1	0.980	130	0.063
Pakistan	143	0.546	143	0.309	136	0.802	140	0.948	95	0.127
Yemen	144	0.516	141	0.345	141	0.737	119	0.968	144	0.014

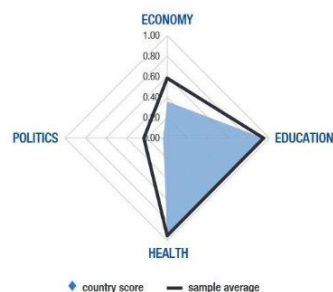
مشاهده میکنیم که در این بررسی در میان ۱۴۴ کشور، ایران رتبه‌ی ۱۴۰ را به خود اختصاص داده و همچنان در انتهایی جدول قرار دارد.



پیش‌تر گفته شد که شاخص شکاف جنسیتی در چهار زیرگروه تهیه و بررسی می‌شود. نمودار زیر نشان‌دهنده وضعیت ایران در هر یک از این گروه‌ها در سال ۲۰۱۷ است: دیده می‌شود که بجز در ارتباط با سلامتی و تحصیلات کشور وضعیت قابل قبولی در سایر حوزه‌ها نداشته خانم‌ها و آقایان به هیچ عنوان از فرصت‌های برابری برخوردار نیستند.



دیده می‌شود که بجز در ارتباط با سلامتی و تحصیلات کشور وضعیت قابل قبولی در سایر حوزه‌ها نداشته خانم‌ها و آقایان به هیچ عنوان از فرصت‌های برابری برخوردار نیستند.

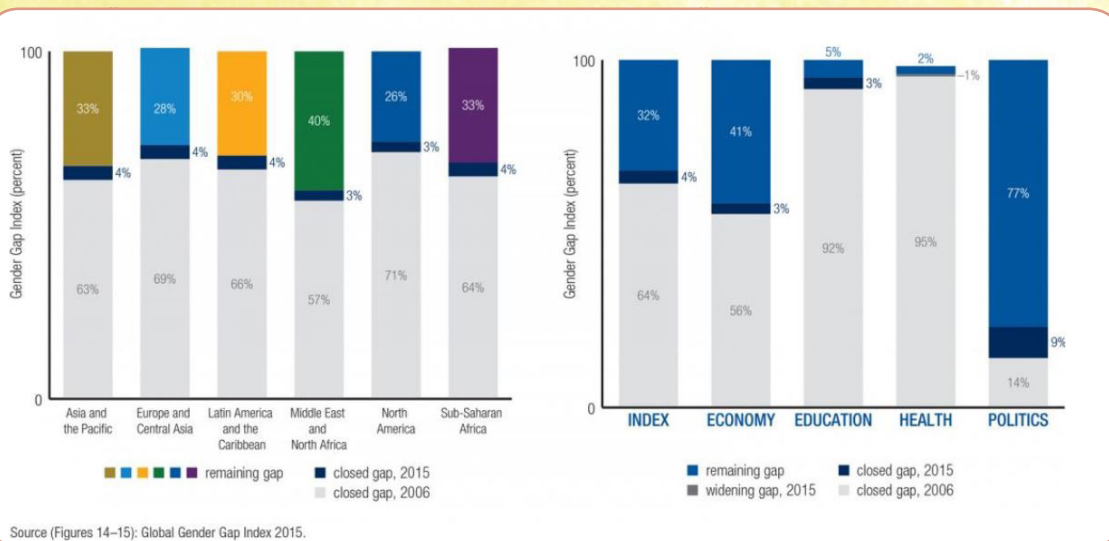


جدول زیر یک جمع‌بندی کلی از وضعیت ایران به طور کلی و همین‌طور در هر یک از زیرگروه‌ها را برای سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ را نشان می‌دهد:

Index over the years

SAMPLE		INDEX		ECONOMY		EDUCATION		HEALTH		POLITICS	
Year	No. of countries	Rank	Score	Rank	Score	Rank	Score	Rank	Score	Rank	Score
2015	145	141	0.580	141	0.357	106	0.954	99	0.971	137	0.037
2014	142	137	0.581	139	0.359	104	0.957	89	0.971	135	0.037
2013	136	130	0.584	130	0.365	98	0.965	87	0.971	129	0.035
2012	135	127	0.593	130	0.412	101	0.953	87	0.971	126	0.035
2011	135	125	0.589	125	0.444	105	0.925	85	0.971	130	0.017
2010	134	123	0.593	125	0.426	96	0.959	83	0.971	129	0.017
2009	134	128	0.584	131	0.377	96	0.964	63	0.978	132	0.017
2008	130	116	0.602	118	0.449	92	0.965	60	0.978	128	0.017
2007	128	118	0.590	123	0.395	90	0.958	58	0.978	122	0.031
2006	115	108	0.580	113	0.359	80	0.954	52	0.978	109	0.031
2006-2015 CHANGE			▼ 0.000		▼ -0.001		▲ 0.000		▼ -0.007		▲ 0.006

در پایان وضعیت مناطق مختلف جهان را در دو دوره ۲۰۰۶ و ۲۰۱۵ در هر یک از گروه‌های تشکیل‌دهنده شاخص بررسی می‌کنیم:



Source (Figures 14–15): Global Gender Gap Index 2015.

در نمودار سمت راست، دیده می‌شود که شکاف‌های موجود در ارتباط با بحث سلامت و تحصیلات به حداقل مقدار خود در سال‌های گذشته رسیده‌اند و می‌بینیم که موانع اصلی در راه بسته شدن کامل شکاف، میزان مشارکت اقتصادی و سیاسی بانوان است.

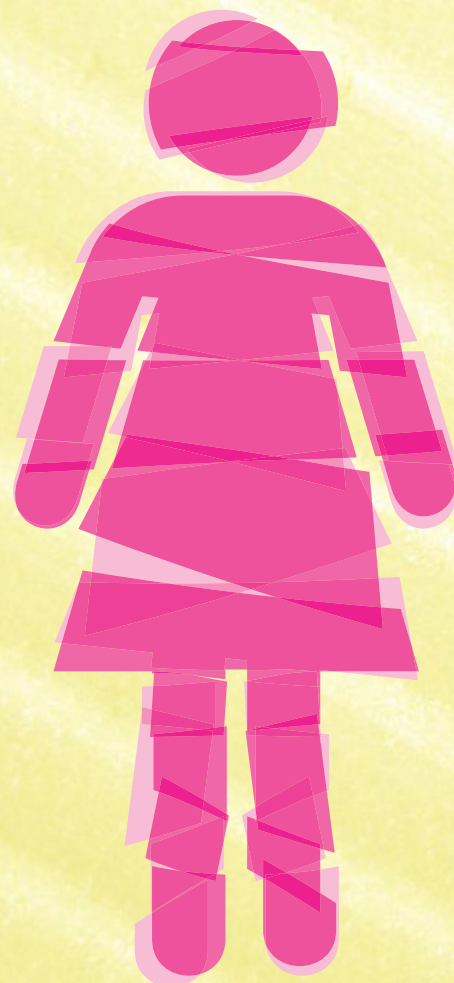
در نمودار سمت راست، دیده می‌شود که شکاف‌های موجود در ارتباط با بحث سلامت و تحصیلات به حداقل مقدار خود در سال‌های گذشته رسیده‌اند و می‌بینیم که موانع اصلی در راه بسته شدن کامل شکاف، میزان مشارکت اقتصادی و سیاسی بانوان است. در مورد نمودار سمت چپ، قسمت طوسی رنگ، فاصله از میان رفته تا سال ۲۰۰۶ را نشان می‌دهد و بخش سورمه‌ای برای تمام بخش‌های جهان فاصله‌ای را که در فاصله سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ از میان رفته نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که این میزان برای خاورمیانه و آمریکای شمالی کم‌ترین و معادل ۳٪ و برای سایر بخش‌ها برابر با ۴٪ است.

از طرفی قسمت‌های بالای هر ستون، فاصله باقی مانده بین خانم‌ها و آقایان را در هر قسمت نشان می‌دهد. باتوجه به نمودار می‌بینیم که هم اکنون در خاورمیانه که با رنگ سبز نشان داده شده است، بیشتر فاصله میان فرصت‌های در اختیار زنان و مردان وجود دارد (۴۰٪).

منبع

سایت انجمن جهانی اقتصاد

<https://www.weforum.org/>





نگاه اجمالی به بودجه ۹۸ بازبانه ساده

گردآورنده: مارال حسینی

ترم ۶ کارشناسی اقتصاد دانشگاه الزهرا

چو دخلت نیست، خرج آهسته تر کن
که می گویند ملاحان سرودی
اگر باران به کوهستان نبارد
به سالی دجله گردد، خشک رودی

بودجه، آینه مالی شیوه اداره حکومت است و برخلاف شعار و حرف و سخنرانی، باعدد و رقم نشان می دهد حکومت چگونه بر مردم حکمرانی می کند و مردم نیز چه وظایف متقابلی در قبال آن دارند بودجه علاوه بر آن که نشان دهنده شیوه حکمرانی در یک کشور است، قابلیت کفبینی فوق العاده ای نیز به ناظران عمومی و فعالان اقتصادی می دهد. کفبینی بودجه ای، یعنی نگاه به ارقام بودجه برای پیشگویی چگونگی اداره اقتصادی و حتی سیاسی و اجتماعی (کشور در سال آتی، تا حدود زیادی دقیق است، چراکه شیوه تنظیم آن، فرض استفاده شده برای تنظیم، اولویتهای بودجه ای، موارد درج شده و برجسته شده، همگی می تواند حاوی نکته های فراوانی باشد. در یک تقسیم بندی کلی، منابع عمومی از سه محل و مصارف عمومی نیز در سه محل به شرح ذیل است.

منابع و مصرف بودجه

دریافت ها (منابع)	پرداخت ها (مصارف)
۱. درآمدها شامل: - مالیات - غیرمالیات ۲. عایدات نفتی ۳. استقراض (اوراق مالی و ...)	۱. هزینه های مصرفی (جاری) ۲. هزینه های سرمایه گذاری (عمرانی) ۳. بازپرداخت تعهدات و دیون و اصل و سود اوراق استقراضی
جمع دریافت ها	جمع پرداخت ها



در اصطلاح بودجه‌ای، دریافت‌ها از محل نفت و امثالهم به دلیل آنکه از محل فروش سرمایه ملی تأمین می‌شود، نه درآمد، واگذاری دارایی سرمایه‌ای محسوب می‌شوند. دلیل آن هم مشخص است. وقتی شما برای گذران امور خانواده، بخشی از سرمایه خود را بفروشید، نمی‌گویید درآمد کسب کردم. در اصطلاح بودجه‌ای، به استقراض و ایجاد دین به منظور تأمین مالی در بودجه نیز واگذاری دارایی مالی گفته می‌شود، زیرا دولت در قبال قرضی که از مردم و بازار می‌گیرد، یک برگه اوراق بهادار و امثالهم (دارایی مالی) به آن‌ها می‌دهد.

جدول ۳. تصویر کلی منابع و مصارف عمومی در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ (بر مبنای سقف پیش فرض بودجه) (هزار میلیارد تومان) (ارقام گرد شده است)

مصارف (۴۰۷)		منابع (۴۰۷)	
حقوق و دستمزد (۹۵)	هزینه جاری (۳۲۰) نکته: یارانه نقدی ۴۵۵۰۰ تومانی جزو تراز جمع منابع و مصارف بودجه عمومی دولت نیست، بلکه صرفاً در احکام بودجه در مورد آن، براساس قانون هدفمند کردن یارانه‌ها تصمیم‌گیری می‌شود. در واقع یک بودجه کوچک داخل بودجه، اما بدون لحاظ شدن در جمع منابع و مصارف بودجه است. ارقام مربوط به قانون هدفمند کردن یارانه‌ها بالاخره پس از چندین سال به صورت شفاف در بودجه درج شده است. منابع این بودجه کوچک، ۱۴۳ هزار تومان است که به خاطر افزایش قیمت‌های آب، برق، گاز، بنزین و امثالهم به دست آمده است. مصارف آن به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش اول که حدود ۶۲ هزار و پانصد تومان است شامل پرداخت یارانه نقدی و غیرنقدی (معادل ۴۲ هزار میلیارد تومان)، کمک به بخش سلامت ۵ هزار میلیارد، پرداخت به افراد تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی ۷ هزار میلیارد، یارانه نان ۶ هزار و سایر ۲ هزار میلیارد تومان است. بخش دوم و بزرگ‌تر یعنی حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان هزینه تولید آب و برق و گاز و بنزین و... عوارض مربوطه است.	مالیات شرکت‌ها (۳۷)	درآمدها (۲۰۸) مالیات‌ها (۱۵۳) درآمدها (۲۰۸)
بازنشستگان و بخش دیگری از حقوق و دستمزد (۱۲۳)		مالیات دستمزد کارکنان بخش خصوصی (۶)	
استفاده از کالا و خدمات (مثل حق اجاره برخی ساختمان‌ها، هزینه آب و برق ادارات و ...) (۲۳)		مالیات مشاغل و اصناف (۱۰)	
یارانه (غیر از یارانه نقدی مثل یارانه خرید تضمینی گندم، یارانه سود تسهیلات مسکن، شیر و ...) (۱۲)		سایر مالیات‌های بر درآمد (۳)	
سایر (۶۷)		مالیات بر ثروت (۴)	
		مالیات بر واردات (۲۷)	
		مالیات ارزش افزوده (۳۹)	
		مالیات ارزش افزوده برای بهداشت و درمان (۱۰)	
		سایر مالیات کالا و خدمات (مالیات سیگار، عوارض خروج، نقل و انتقال خودرو و ...) (۱۱)	
		فروش خدمات و کالاهای دولتی (۱۰)	
	غیر مالیات (۵۵)		
	جرائم و خسارات (۵)		
	سایر (۱۵)		
ایجاد و تملک دارایی سرمایه‌ای (عمرانی) (۶۲)	فروش و واگذاری سرمایه ملی (عمدتاً نفت) (۱۴۸)		
تسویه استقراض و دیون و امثالهم (۲۵)	استقراض و ایجاد دین و امثالهم (۵۱)		

کسری داریم یا نه؟

اگر کسی در زندگی روزمره از ما بپرسد در دخل و خرج خود کسری دارید معمولاً چگونه جواب می‌دهیم؟ بیایید جواب‌های ممکن را مرور کنیم:

۱- کل منابع (شامل منابعی که می‌توانم از فروش سرمایه و منزل به دست آورم و مبالغ قرض‌هایی که می‌توانم انجام دهم) منهای کل مخارج؛

۲- کل منابع (بجز مابه التفاوت قرض‌هایی که می‌توانم بگیرم و قرض‌هایی که باید پس بدهم) منهای کل مخارج؛

۳- کل منابع (به غیر از منابعی که از فروش خانه و ماشین زیر پا می‌توانم به دست آورم و به غیر از خالص قرض‌هایی که می‌توانم بگیرم و قرض‌هایی که باید پس بدهم) منهای کل مخارج، در بودجه کشور نیز همین وضعیت برقرار است.

یعنی بسته به اینکه چه تعریفی از کسری داشته باشیم، ممکن است اصلاً کسری نداشته باشیم و یا مبالغ قابل توجهی کسری داشته باشیم.

اگر اقتصاد ما در بودجه بخواهد روی پای خود بایستد، یعنی نفت نفروشد، استقراض نکند و از صندوق‌های خارج از بودجه هم اضافه برداشت نکند، عملاً تا نزدیک ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی و معادل ۶۰ درصد منابع عمومی کسری دارد. این حجم از کسری غیرنفتی، اهمیت توجه به رفع آسیب‌پذیری بودجه کشور در مقابل تلاطم‌های نفتی و ضرورت اصلاحات در محدوده وظایف دولت را نشان می‌دهد.

اگرچه منطق اقتصادی بودجه‌ریزی اقتضا می‌کند که در هنگام رکود، بودجه به کمک اقتصاد بیاید و رونق افزایی



PDF Compressor Free Version

کند، اما بر مبنای همان منطق، این رونق‌افزایی باید بر مبنای منابعی باشد که از لحاظ اقتصادی سالم و در دسترس باشند و به قول معروف دردی بر دردهای کنونی اضافه نکنند. به همین دلیل هم هست که بنابر هنجارهای پذیرفته شده بودجه ریزی، در هنگام تدوین بودجه ابتدا باید منابع در دسترس محاسبه شوند.

حال تصور کنید بودجه یک کشور به صورت معکوس تدوین شود یعنی اول مصارف حساب شود و سپس براساس این مصارف، منابع برآورد شود. نتیجه این می‌شود که یا برخی منابع بیش از حد لازم استفاده می‌شود (مثلاً منبع طبیعی بیشتر از سهم منطقی و متعارف نسل فعلی برداشت شود، مالیات بیش از توان تولید گرفته شود و یا بدهی بیش از توان بازپس دادن آن ایجاد شود) و یا اگر این‌ها هم نباشد، ارقام منابع بر روی کاغذ و به طور صوری باد شوند!

مثال بارز مهندسی معکوس بودجه در برخی کشورهای همسایه صادرکننده نفت، تعیین قیمت نفت در بودجه براساس این روش است، یعنی در برخی سال‌ها ملاحظه شده است که قیمت نفت را طوری در نظر می‌گیرند که کفاف سمت مصارف را بدهد، در حالی که اصولاً قیمت نفت در بازار جهانی تعیین می‌شود و در دست یک کشور خاص نیست.

افزایش حقوق ۲۰ درصد و تورم ۴۰ درصد؟

- مسئولین درد مردم را نمی‌دانند که فکر می‌کنند افزایش حقوق ۲۰ درصدی کافی است.

- اصلاً چه کسی گفته خلق پول نکنیم و بین مردم توزیع نکنیم؟

- آن‌ها لابد حقوق ده‌ها میلیونی می‌گیرند و نفسشان از جای گرم بلند می‌شود...

پاسخ این است که تجربه کشورهای مواجه با کسری بودجه (چه آشکار و چه مخفی شده) نشان داده است که هرگاه کسری بودجه دولت، پولی شود (یعنی دولت با چاپ پول آن را بیوشاند) (بسته به میزان پولی شدن این کسری، تورم در پیش خواهد بود و همزمان با گذاشتن پول در جیب مردم، از آن جیب دیگر، مقدار بیشتری برداشته می‌شود) به این پدیده مالیات تورمی می‌گویند یعنی دولت‌ها با ایجاد تورم، یک جیب مردم را خالی می‌کنند تا جیب دیگر

آن‌ها را پرکنند (راه بهتر آن است که جهت مطالبات و نیز همراهی عمومی با مدیران بخش عمومی به این سمت باشد که دولت به جای افزایش شدید هزینه‌ها و پر کردن چاه کسری ایجاد شده با اسکناس یا استقراض بیش از حد، هزینه‌ها و درآمدها را تا حد امکان متعادل کند، یعنی در طرف هزینه‌ها، اول هزینه‌های غیرضروری را بکاهد و از پرداختی به درآمدهای بالاتر بکاهد یا رشد آن‌ها را کاهش دهد و همزمان درآمدها را افزایش دهد.

در آخر اینکه، بودجه صرفاً یک سایه یا تصویر از اقتصاد و مدیریت بخش عمومی است. بنابراین، از آن‌جا که نمی‌شود، اصل یک جسم، ناجور و بدقواره باشد، اما سایه یا تصویر آن خوش‌قواره باشد، به همان دلیل، انتظار معجزه یا کار خاص داشتن از بودجه یک اقتصاد بی‌قواره متکی به نفت غیردانش بنیان چندپاره‌ی دارای فرار مالیاتی زیاد و... عبث، ناگوار و یا مضحک است.

راه چاره چیست؟

آن‌گونه که گفته شد، انتظار از بودجه برای معجزه، به جای اصلاح دولت و اقتصاد، به راه اشتباه رفتن و دور خود چرخیدن است. پس راه چاره، اصلاح بیخ و بنیان و تاروپود اقتصاد است.

اقتصاد باید متنوع، غیرمتکی به نفت و دارای درآمدهای پایدار باشد و دولت هم باید خوش فکر، متکی به خواست و اراده مردم و به دنبال مصلحت بلندمدت مردم) و نه صرفاً رضایت کوتاه مدت آن‌ها (باشد تا تصویر ترکیبی آن یعنی بودجه هم اصلاح شود.

منبع

توحید آتشبار، گزارش بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور ۲. بودجه به زبان ساده، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی